



۲۰۱۷/۰۱/۰۹

ملالی موسی نظام

## به تاسی از اثر ارزشمند «تأثیر ناگوار تهاجم فرهنگی همسایه ها بر فرهنگ ملی افغانان»

دانشمند خبره، مطبوعاتی مجرب و برادر نهایت معزز، محترم آقای سراج و هاج،

در شرایط و نابسامانی هایی که از خود و بیگانه در محو و تحریف افتخارات و داشته های تاریخی و ملی مردم افغانستان دست دراز نموده اند، آنانیکه در راه حفظ و نگهداری هویت و میراث فرهنگی افغانستان عزیز، منجمله اصالت السنه با ارزش آن در تلاش و مبارزه ملی وسیع و متداوم قرار دارند، در حقیقت مبارزین ملی هستند. من منحیث شاگرد کوچک شما، افتخار دارم که حتی المقدور درین تلاش مقدس و امحای تهاجم فرهنگی همسایه ها، مخصوصاً دولت مغرض آخندی ایران، قدم هایی را بر می دارم.

طوریکه هموطنان ما آگاهی دارند ما و شما هر روز ناظر و شاهد تهاجمات و تخریبات روز افزون بر «لسان دری» زیبا و اصیل افغانستان هستیم و در پهلوی چنین روش سخیفی که به همراهی عمال وجدان باخته وطنی و جمعی از مطبوعاتیان صورت می گیرد، وقتاً فوقتاً بر تحریف هویت و اسم مبارک افغانستان هم پلان گزاری های غیر ملی و ناکامی به عمل می آید. بعد از شکست طالبان ذریعه قوای خارجی، گروهی که دقیقاً به شورای نظار و عمال مزد بگیران از دولت ایران، متعلق بودند، با پلان تفرقه اندازی و شقاق بین اقوام شریف افغانستان، روش جدیدی را سازمان دهی نمودند که در آن اقلیتی خود را افغان نه بلکه «افغانستانی» خوانده و علم دوگانگی و تفرقه را به هدف از هم پاشی وحدت ملی، بر افراشتند.

در آن زمان که فعالیت های اینترنتی موجود نبوده و مطبوعات افغانی در خارج هم در اقلیت قرار داشت، اخبار مفتن «امید» وابسته به ائتلاف شمال، وظیفتاً مکلف به تبلیغات غیر ملی و رایج ساختن اصطلاح پوشالی «افغانستانی» گردید. در چنین احوالی، خوشبختانه جمعیتی از ملی گرایان و افغانستان دوستان برای رفع و دفع چنین مفکوره نا جایز و سخیفی، از ممالک مختلفه، دست یک همکاری و مبارزه ملی را به هم داده و با نشر مقالات و مضامین ارزشمند، علی الرغم فعالیت ها و مصارف گوناگون چنان دستگاه تبلیغاتی مزور، درخت تلخ چنین تفرقه و نفاق افگنی را برای ابد به خشکی مواجه نمودند، که در رأس چنان مبارزه ای، مطبوعاتی و دانشمند خبره، محترم آقای ولی احمد نوری با تحریر مقاله ای تحت عنوان «استعمال نام افغانستانی جرم است»، قرار داشت.

مجله ملی و ارزشمند «درد دل افغان» به رهنمایی جناب تان، با نشر چنان مضامین و مقالاتی که صبغه ملی داشت، در حقیقت خدمت بزرگی را در زمینه وحدت مردم افغانستان و حفظ میراث گرانبهای فرهنگی بر عهده گرفت که هرگز فراموش نمی گردد.

این قلم در آن جنجال «افغانستانی سازی» به مجلسی در کلیفورنیای شمالی دعوت شدم که برای حمایت از وحدت ملی، دایر گردیده بود و اداره آنرا مرحوم داکتر حسن کاکر، دانشمند خبره، نویسنده و مؤرخ چیره دست و استاد پوهنتون بر عهده داشت.

اینک به تاسی از مبارزه آموزنده و ارزشمند شما از ورای صفحات این وبسایت ملی، مضمونی را که در آن محفل قرائت نمودم، محترمانه به هموطنان پیشکش می نمایم.

۲۸ اگست، ۲۰۰۶، کلیفورنیای شمالی

ملالی موسی نظام

## وحدت ملی و ترویج اصطلاح «افغانستانی»

حضر محترم، میرمن ها و آقایان:

امیدوارم احترامات صمیمانه مرا بپذیرید. جای افتخار است که به دعوت جمیعی از هموطنان و خبرگان ملی گرا و افغانستان دوستان در محفلی که به منظور تحکیم وحدت ارزشمند ملی، امحای تبعیض و تفرقه اندازی و در مجموع، برای یک پارچگی ملت شریف افغان دائر میگردد، اشتراک مینمایم. با گلچینی از احساس قلبی شاعر گران مایه افغان، محترم «محمد نسیم اسیر» مطلب را آغاز مینمایم:

بنازم همت مام وطن را

به دامن پروریده تو و من را

کهن بوم و بر پر افتخارم همان افغان ستان نامدارم

به این نام است شان و شوکت ما (افغان) پایه های وحدت ما

بنام قوم اگر باهم ستیزیم

بنای وحدت از بنیاد ریزیم

مباش اندر پی ویرانی بی خود اساس بی سر و سامانی بی خود

(اسیر) آرزومند تو گوید به عجز و انکسار از تو بجوید

که گر پرسد کسی از تو نشانی

بگو افغان، مگو افغانستانی

به همه معلوم است که در افغانستان جنگزده ویران، در پهلوی مشکلات بیشمار سیاسی و اجتماعی، معضله عدم وجود یک وحدت ملی واقعی که بتواند تمام اقوام شریف مملکت را متحد و همگام نماید، کاملاً محسوس است. گذشته از نابسامانی های جنگ ها و اثرات نافرجام آنان، جامعه افغانی همچنان با مشکلات بیشمار اجتماعی و تحریکات مغرضانه روبرو میباشد، چنانچه در اثر عدم وجود یک حکومت مرکزی قوی و عدم استقرار سیاسی که سبب انهدام و ویرانی بنیادی در افغانستان گشته است، برای دشمنان و همسایگان طماع زمینه تجاوزات مکرر را چه مستقیم و چه توسط عمال و گماشتگان منحرف افغان شان، امکان پذیر ساخته است. شر اندازی دائمی پاکستان، مداخلات ابدی روسیه و گماشتگان داخلی وابسته، دسائس پنهان و آشکار آخذن های ایران و البته عمال داخلی آن، همه و همه برای یک هدف مشترک که امحای «وحدت ملی» و دامن زدن به تفرقه های قومی، مذهبی و لسانی مردم مظلوم ماست، صورت میگیرد.

از نگاه حقوقی، تمام مردمی که در ساحه جغرافیایی افغانستان بسر میبرند و در مقابل قانون دارای حقوق و وجائب مساوی هستند، افغان می باشند. بنابر آن، در مجموع همه باشندگان مملکت بهر نژاد، قوم، دین و مذهبی که متعلق باشند و به هر لسانی که تکلم نمایند، تحت اسم واحد و پر افتخار «ملت افغان» شناخته میشوند.

در گروپ تفرقه اندازان ملی، یکی هم باید از جمعیت کوچکی یاد آور شد که مذبحخانه در تلاش جدا سازی اقوام شریف افغان از هم دیگر هستند. مشاجره از آنجا آغاز یافت که برخی از شاگردان جاسوس ایرانی چنگیز پهلوان، از هویت افغان منکر گردیدند و خود را افغانستانی نامیدند. این مطلب ظاهراً ساده کلیه ارزش های «وحدت ملی» را که طی صد ها سال با نام «افغان» شکل گرفته و استحکام یافته است، به سوال مواجه میسازد. اینان که خود به غیر قانونیت ادعای شان از یکطرف و نا مأنوس بودن اصل مفکوره از جانب دیگر، میدانند که مبارزه چنین بی محتوی راه بجایی ندارد، باز هم نظر به وابستگی عمیق آنان به همسایه غربی افغانستان، در تضعیف روحیه «وحدت ملی» در مجادله و تلاش بیهوده اند. این گروه که بر گذشته خیلی دور استناد ناقصی مینمایند، ادعا دارند که چون در گذشته کلمه افغان برای پشتون ها استعمال میگردید، امروز نباید دیگر اقوام مملکت تحت این اسم پر افتخار گنجانیده شوند. گروه مذکور درین مقطع حساس تاریخ، تمام مشکلات اساسی و بنیادی ملت و مملکت را به فراموشی سپرده و با «افغانستانی» نامیدن خویش علم تفرقه و دوگانگی را مذبحخانه بر افراشته اند. اقلیت مذکور انگشت رد بر تمام ارزش های ملی ای میگذارند که در پناه آن، قرون متمادی اقوام شریف افغانستان در اتحاد کامل با اسم پر افتخار ملت مبارز افغان از ناموس وطن دفاع نموده اند، منجمله از شکست بریتانیای کبیر در قرن ۱۹ و ۲۰ و شکست شرم آور اتحاد شوروی سابق، یاد آور میگردیم، که جهاد مقدس یک ملت متحد را تثبیت مینماید.

در مورد تحلیل لغوی کلمه «افغانستانی» باید گفت که کلمه افغانستان که مرکب از واحد «افغان» و پسوند «ستان» میباشد، معنی سرزمین افغانان را میدهد و بدون هیچ شک و شبهه ای، عنصر اصلی ترکیب افغانستان همانا کلمه «افغان» است. وقتی کلمه افغانستان با چنین شرط و شاخص هایی ترکیب شد، دیگر نمیتوان «ی» نسبتی را در آخرش افزوده و کلمه «افغانستانی» را از آن بوجود آورد که بدیل و جانشین کلمه «افغان» قرار گیرد، طوریکه وقتی ترکیب انگلستان از کلمات «انگلیس» و «ستان» پدید گردید، نمیشود که از آن کلمه «انگلستانی» را بسازیم. در حقیقت منطق سالم و منطق زبان که گرامر نامیده میشود، همین حکم را میکند. اما «افغانستانی» خواهان کجا و منطق زبان کجا؟! بلی، گیر ماندن در گرداب نفرت و تعصبات ناروای قومی و زبانی و غرق شدن در خندق بیگانه پرستی، آزادی تفکر و تعقل سالم را به تاراج میبرد.

حال ببینیم که اصطلاح غیر مجاز «افغانستانی» از نگاه حقوقی چه عواملی را بار می آورد و نتیجه گیری از آن به جز از تمایل به تضعیف مفکوره «وحدت ملی» و تفرقه قومی ملت افغان، چه میتواند باشد:

**اول- از نگاه حقوق اساسی:** درین مورد قانون اساسی سال ۱۳۸۳ هجری شمسی مطابق به سال ۲۰۰۴ میلادی چنین صراحت دارد:

ملت افغانستان متشکل از اقوام پشتون، تاجک، هزاره، ازبک، ترکمن، بلوچ، پشه یی، نورستانی، ایماق، عرب، قرغز، قزلباش، گوجر، براهوی و سائر اقوام میباشد.

بر هر فردی از افراد ملت افغانستان، کلمه افغان اطلاق میشود. (فصل اول- ماده چهارم).

بنابر آن، در مجموع همه باشندگان مملکت ما بهر نژاد، قوم، دین و مذهبی که متعلق باشند و بهر لسانی که تکلم نمایند، تحت اسم واحد و افتخار آمیز «ملت افغان» رسماً و قانوناً شناخته میشوند.

چون مواد قانون اساسی تنها توسط احضار لویه جرگه و اشتراک نمایندگان ملت افغانستان قابلیت تغییر و تعدیل را دارا میباشد، برای استعمال قانونی «!» اصطلاح «افغانستانی» که اکنون از هر گونه ارزش حقوقی مبراست، همچنان باید لویه جرگه که عالی ترین مظهر عنعنوی قبول شده اراده مردم افغانستان است، احضار گردد.

نتیجتاً، «افغانستانی» نامیدن کاندید سابق ریاست جمهوری لطیف پدram، مربوط رژیم وابسته به اتحاد شوروی سابق و شورای نظار فعلی، خود مثنی است نمونه خروار، که سبب ناکامی مطلق نامبرده و بی هویتان «افغانستانی» وی گردید.

**دوم- از نگاه حقوق جزاء:** چونکه معضله استعمال غیر مجاز کلمه «افغانستانی» پدیده جدید و وارداتی یک اقلیت کوچک وابسته به غیر میباشد و از عمق اجتماع و کلتور اصیل افغانی نشأت ننموده است، هنوز بازخواست قانونی خاصی برای آن موجود نیست، ولی در آینده با پیروی از مواد قانون اساسی، میتوان در چوکات قوانین عادی درین زمینه مجازاتی را پیش بینی نمود. مبرهن است که استعمال اصطلاح «افغانستانی» بر گروهی از افراد ملت واحد افغان، از هر نوع ارزش حقوقی مبراست. درین مورد قانون اساسی سال ۱۳۸۳ هجری شمسی مطابق به سال ۲۰۰۴ میلادی دولت افغانستان چنین صراحت دارد:

هیچ شخصی نمیتواند با سوء استفاده از حقوق و آزادی های مندرج این قانون اساسی، بر ضد استقلال، تمامیت ارضی، حاکمیت و «وحدت ملی» عمل کند. (فصل دوم- ماده ۵۹).

همه میدانیم که استعمال کلمه «افغانستانی» دقیقاً برای جدایی اقوام، تفرقه و تخریب «وحدت ملی» بوجود آمده است! **سوم- از نگاه حقوق بین الدول خصوصی و عمومی:** در روابط افغانستان و مردم آن با دنیای خارج اعم از معاملات و قرارداد های انفرادی، روابط دیپلوماسی و معاهدات فی مابین مملکتی، عضویت افغانستان در مؤسسات بین المللی از قبیل مؤسسه ملل متحد و امثالهم، همیشه مملکت ما بنام افغانستان و ملت ما بنام «افغان» رسماً پذیرفته و شناسائی شده است. بنا بر آن، معضله «افغانستانی» بودن قسمتی از ملت «افغان» در دنیای خارج هم، به هیچ وجه مطرح شده نمیتواند.

به وضاحت دیده میشود که طرفداران مفکوره جداساختن اقوام شریف وطن از همدیگر، علی الرغم سعی بی نتیجه، چه در داخل افغانستان عزیز و چه در خارج از آن، به بی هویتی و «افغانستانی» بودن خود ها «عملاً» باور و اعتقاد ندارند. از استعمال تذکره هویت، پاسپورت و امثال آنها و مدارک تجارتي در داخل، از اسناد معتبر هویت از قبیل گرین کارت، قرار داد ها و غیر ذالک در خارج، شاهد این حقیقت هستیم که مبارزین و قلم بدستان «افغانستانی» توان و امکان اثبات ادعای بی اساس خود ها را نداشته، بلکه خویشتن را «قهرأ» و «رسماً» افغان مینامند!

در پایان با قرائت این بیت پر معنی از مسدس جناب محمد اختر برکی، شما را به خداوند عادل و حق بین می سپارم:

خانه ام افغان ستان و جمله اقوام وطن      صاحب این خانه ائیم و خادم مام وطن  
متحد بودیم، جان دادیم بر نام وطن      خصم را کشتیم ما در کوچه و بام وطن  
قوم افغان را تو از هم تیت و پاشان میکنی  
خانه ویران، خانه ما را تو ویران میکنی

زنده باد افغانستان! جاوید باد اتحاد ملت افغان!